

The Role of Extraordinary Affairs in the Pre-Islamic Arabian island as
the Historical Context of the Miracle of the Prophet (PBUH)

Sayyed Mohammad soltani¹

Received: 2021/01/14 | Accepted: 2021/03/20

(DOI): [10.22034/SKH.2021.10650.1195](https://doi.org/10.22034/SKH.2021.10650.1195)

Abstract

promotional Article
P 112 - 133

Understanding the pre-Islamic Arab epistemological system plays an important role in understanding the mission of Islam. One of the components of this system is the extraordinary affairs in the ignorant Arab thought, which by knowing this field of thought, one can gain a clearer understanding in the nature and function of the miracle of the Prophet. This study, using library resources and in a descriptive-analytical manner, has explained a part of the intellectual-cultural situation of the pre-Islamic Arab society; That part which provides a comprehensive understanding of how the pre-Islamic Arabs interacted with amazing events and habits consequently, miracles. According to the findings of this study, the most important people who claimed to have extraordinary powers in the pre-Islamic period were the religious leaders of temples, priests, Christian monks and sorcerers. Thus, the origin of supernatural affairs in the eyes of the pre-Islamic Arabs was not necessarily a divine origin, but the claim of prophecy and having a special relationship with God (or gods) was largely proven in this way. In such circumstances, the Prophet of Islam (PBUH) had to perform a miracle to prove his prophethood and to overcome his other religious rivals. But since most of the possessors of these powers were considered sorcerers or priests, the main miracle of the Prophet of Islam appeared in a unique way in the form of a book and he refused to accept repeated requests in sensual miracles.

Keywords: historical context, supernatural habits, miracles, ignorance, Arabian Island, priesthood, mag

¹ - Instructor, Baqir al-Uloom University qom, iran, soltani124@chmail.ir



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقش امور خارق‌العاده در جزیره‌العرب پیش از اسلام به مثابه بافتار تاریخی معجزه پیامبر (ص)

سید محمد سلطانی^۱

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2021.10650.1195](https://doi.org/10.22034/SKH.2021.10650.1195)

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۲۵ | تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۳۰

نوع مقاله: ترویجی

ص ۱۳۳/۱۱۲

چکیده

شناخت دستگاه معرفتی عرب پیش از اسلام نقش مهمی در درک صحیح رسالت اسلام دارد. یکی از اجزاء این دستگاه فکری، امور خارق‌العاده در اندیشه عرب جاهلی است که با شناخت این زمینه فکری، می‌توان درک روشن‌تری از ماهیت و کارکرد معجزه رسول خدا ﷺ به دست آورد. نگاشته پیش رو با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی بخشی از وضعیت فکری-فرهنگی جامعه عرب پیش از اسلام را که به درک جامعی از چگونگی تعامل عرب جاهلی با رخدادهای شگفت‌انگیز و خوارق عادات -و به تبع آن، معجزات- کمک می‌کند تبیین نموده است. بنابر یافته‌های این پژوهش، مهم‌ترین اشخاصی که در دوره جاهلی ادعای برخورداری از قدرت‌های فوق‌العاده را داشته‌اند بزرگان دینی معابد کاهنان، راهبان مسیحی و ساحران بوده‌اند. بنابراین منشأ امور خارق‌العاده در نظر عرب دوره جاهلی لزوماً یک منشأ الهی نبوده، اما ادعای نبوت و داشتن رابطه خاص با خداوند (یا خدایان) عمدتاً از این طریق قابل اثبات بوده است. در چنین شرایطی پیامبر اسلام ﷺ نیز برای اثبات نبوت خویش و هم برای غلبه بر سایر رقبای دینی خویش ناگزیر از ارائه معجزه بوده است اما چون به طور غالب صاحبان این قدرت‌ها ساحر و یا کاهن به‌شمار می‌آمدند معجزه اصلی پیامبر اسلام از سنخ عقلی و به گونه‌ای منحصر به‌فرد به‌صورت یک کتاب بروز نمود و وی از قبول تقاضاهای مکرر در نشان دادن معجزات حسّی

^۱ - مربی دانشگاه باقر العلوم (ع) قم، قم، ایران، soltani124@chmail.ir

خودداری نموده است.

کلمات کلیدی: بافتار تاریخی، خوارق عادات، معجزات، جاهلیت، جزیره العرب،

کهانت، سحر.

مقدمه

عربستان پیش از اسلام گرچه از سطح بالایی از تمدن، فرهنگ و دیانت برخوردار نبود اما باید آن را یک جامعه دینی به شمار آورد که احکام، شعائر و اعتقاد به قدرت‌های ملورایی در آن حضوری پر رنگ داشته است. شناخت دستگاه معرفتی افراد این جامعه، رویکردهای فکری، آراء و اندیشه‌های آنان نسبت به خالق و مخلوقات نقش مهمی در درک صحیح رسالت اسلام دارد. یکی از اجزاء این دستگاه فکری، کارکرد معرفتی اعجاز در اندیشه عرب جاهلی است که نشانگر فضای فکری محیط ظهور اسلام درباره چیستی و مدلول امور خارق‌العاده می‌باشد. با شناخت این زمینه فکری، می‌توان درک روشن‌تری از ماهیت و کارکرد معجزات توسط رسول خدا ﷺ به دست آورد.

شواهد فراوانی بر باور عرب جاهلی به امکان و وقوع خوارق عادات وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از (ن.ک: جوادعلی، ۱۴۲۷ ق: ج ۶، ۱۷۴-۱۸۰):

- اعتقاد به عالم غیب و تأثیر الهه‌ها، اجنه و غیره.
- استسقاء به وسیله تضرع.
- تبرک جستن و شفا خواستن از رجال دین.
- تأثیر اعتقادات اهل کتاب بر عرب (با توجه به این که امکان و وقوع معجزات برای آنان امری مسلم بوده است).

اما از دیدگاه عرب دوره جاهلی، منشأ بروز این امور خارق‌العاده لزوماً از ناحیه خدا نبود، بلکه سحر، اجنه و غیره هم می‌توانستند چنین قدرت‌هایی داشته باشند البته نباید از این نکته نیز غافل بود که حتی امور طبیعی مانند تبدل فصل‌ها، سبز یا خشک شدن برگ درختان، حرکت متعاقب ماه و خورشید و حرکت ستارگان نیز در نگاه اعراب جاهلی، برخاسته از منشأهایی اسطوره وار همچون حرکت ستاره ثریا، زهره و غیره است. (قصی الحسین، ۲۰۰۴م: ۱۹ - ۲۰) از این رو کفار مکه برای خنثی ساختن تأثیرات شگرف معجزات پیامبر اسلام (ص) اتهاماتی از قبیل سحر،

جن‌زدگی و کهانت را متوجه آن حضرت نمودند. (ص: ۴؛ صافات: ۳۶؛ حاقه: ۴۲)^۱
با این همه، نمی‌توان کارکرد مثبت معجزه برای اثبات نبوت را در دستگاه معرفتی عرب جاهلی انکار نمود؛ چنان‌که در ادامه خواهد آمد گزارشات زیاد تقاضای مردم از رسول خدا ﷺ برای ارائه معجزات، و تأثیر کارهای شگفت‌نصارا در گرویدن قبائلی به دین مسیحیت و غیره نشان از این امر دارند.

پژوهش پیش رو با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی بخشی از وضعیت فکری-فرهنگی-دینی جامعه عرب پیش از اسلام را که به درک جامعی از نحوه تعامل عرب جاهلی با رخدادهای شگفت‌انگیز و خوارق عادات -و به تبع آن، معجزات- کمک می‌کند تبیین می‌کند. صاحبان امور خارق‌العاده در این دوره و منشأ قدرت‌های شگفت‌انگیز آنان، معرفی شده و در نتیجه مفهوم و دلالت این امور در نزد عرب جاهلی و تأثیر این فضای فکری بر معجزه رسول مکرم اسلام نشان داده می‌شود. نگاشته‌های فراوانی که تاکنون به توصیف جامعه و فرهنگ و ادیان جزیره العرب پیش از اسلام اختصاص یافته‌اند تنها اشاراتی به این مساله داشته و تصویری جامع و یکپارچه و تحلیلی مرتبط با زمینه فکری ظهور اسلام و بروز معجزه از رسول اسلام (ص) ارائه نکرده‌اند.

مفهوم‌شناسی معجزه

معجزه یکی از قدیمی‌ترین راه‌های اثبات وجود خداوند و نبوت انبیا بوده است. گزارشات فراوانی از بروز امور خارق‌العاده توسط افرادی خاص، در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف بشری وجود دارد. (برای نمونه ن.ک: Twelftree, 2011: Part II-III)

معنای لغوی

اعجاز مصدر مزید از «عجز» است به معنای فرومانده و ناتوان شدن (معرفت: ۱۴۱۵: ۴، ۶). عجز با مشتقات آن ۲۶ بار در قرآن کریم به کار رفته است. «اعجاز» مصدر باب افعال به معنای ناتوان کردن است. راغب بر این باور است که معنای اصلی این واژه، تأخر از چیزی و درمانده شده از انجام آن است. (راغب، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ۵۴۷)

^۱ . برخی آیات انجیل نیز از امکان وقوع معجزاتی توسط انبیای دروغین خبر داده است. (متی ۲۴: ۲۴)

معنای اصطلاحی

خواجه طوسی (ره) معجزه را این‌گونه تعریف کرده است: «راه شناخت راستگوئی پیامبر این است که به دست او معجزه‌ای ظاهر شود و آن عبارت است از ثبوت چیزی که معتاد نباشد و یا نفی چیزی که معتاد باشد در صورتی که خرق عادت بوده و مطابق ادعا واقع شود.» (حلی، ۱۴۰۷ق: ۳۵۰)

علامه حلی در شرح این کلام چندین شرط را مقرر نموده است:

الف: امت شخص معجزه‌گر از آوردن مثل آن عاجز باشند.

ب: معجزه از طرف خدا یا با امر او باشد.

ج: معجزه در زمان تکلیف باشد.

د: معجزه بعد از ادعای نبوت ظاهر شود و در زمان معجزه‌گر مدعی نبوت دیگری نباشد. «۱»

و: آن عمل خارق عادت باشد. (همو)

اما برخی پژوهشگران معاصر، برخی شروط ذکر شده در تعریف معجزه را همانند تحدی -

لازم نمی‌دانند و تعریف دیگری ارائه داده‌اند:

آفرینشی از آفرینش‌های الهی (به صورت تغییری، تبدیلی، ایجاد) و یا علمی از علوم الهی که -گاهی- بروزی خارق‌العاده دارند و به‌عنوان حقانیت ادعای پیامبران از سوی پروردگار به آنان اعطا شده است. (جعفرزاده، ۱۳۹۵ ش: ۵۷)

تفکر دینی در عربستان پیش از اسلام

همانطور که پیش‌تر بیان شده مجموعه تفکرات و آداب و رسوم رایج در جزیره العرب پیش از ظهور اسلام حاکی از این است که باید آن را جامعه‌ای دینی به‌شمار آورد. آنان پیرو عقاید و ادیان مختلفی بوده‌اند که متأثر از عوامل خارجی نیز بوده است. به‌طور کلی باورها، اسطوره‌ها و خرافه‌ها از ذهنیتی به ذهنیت دیگر و از ملتی به ملت دیگر منتقل می‌شوند. گاهی هویت آن‌ها محفوظ می‌ماند و گاهی به ملتی دیگر و هویتی دیگر منتسب می‌شود. این امر را هجرت اسطوره‌ها می‌نامند. بنابراین، نمی‌توان اسطوره را به عقلانیتی ثابت و معین مرتبط دانست، بلکه مناسب است آن را وابسته به میراث جهانی دانست که هر منطقه‌ای آن را با ویژگی‌های خود گره می‌زند. بلون آن که جوهر اصلیش محو گردد و سرمنشأش فراموش گردد. (مسعود، ۱۹۹۴م: ۵۳)

بر خلاف تصور بسیاری از مردم، جزیره العرب در دوران جاهلیت یک منطقه منعزل از عالم نبوده و عواملی چون تجارت، شکل‌گیری شهرهای عرب‌زبان بزرگ در امپراطوری ایران و روم، و

سفرهای تبلیغی یهودیان و مسیحیان سبب اتصال مادی و فکری جزیره العرب با سایر نقاط جهان بوده است. (امین، ۲۰۰۴م: ۲۴) در میان عوامل فوق، پژوهش گران عامل تجارت را مؤثرترین آن‌ها می‌دانند. گذرگاه تجارتي که از شمال به جنوب و از شرق به غرب کشیده شده بود، از جزیره العرب عبور می‌کرد؛ بنابراین، این منطقه محل ارتباطی حکومت‌های روم، بیزانس، حبشه، مصر و هند از طریق خشکی یا دریایی بوده و هر کدام تأثیرات مهمی بر فکر، فرهنگ، دین و صنعت جزیره العرب داشته است. (دغیم، ۱۹۹۵م: ۳۶-۴۲) در مجموع می‌توان باورهای عرب این دوره را این‌گونه تقسیم‌بندی نمود:

- غالب مردم عرب، خدای یگانه را می‌پرستیدند و در کنار ایمان به الله، پرستش بت‌ها را نیز لازم دانسته و آنان را منشأ خیر و شر در زندگی خویش می‌پنداشتند (مسعودی، ۱۳۶۳: ۲/۱۰۲)
- برخی یهودی یا مسیحی یا پیرو ادیان فارسی (مجوسیت، مزدکیه، مانویت) بودند مسیحیت به هنگام ظهور اسلام در بحرین و یمامه و یمن و نیز در میان غسانیان و منذره و طی و بکر و تغلب دیده می‌شد. این دین از سه محور شمال (سوریه)، شمال شرقی (عراق) و غرب (حبشه) به جزیره العرب داخل شد (دغیم، ۱۹۹۵ق: ۶۷) و به مکه و مدینه نیز راه یافته بود. (همو: ۷۴) یهودیت به نظر می‌رسد در نتیجه ی پراکندگی و مهاجرت یهودیان به سمت سرزمین‌های حاصلخیز حجاز مانند فدک، تیماء، وادی القری، خیبر و مدینه به وجود آمده باشد بنی‌دارم در بحرین نیز دین اسبزیان را انتخاب کردند (احمد العلی، ۱۳۸۴: ۲۴۹)
- عده‌ای نیز توقف نموده و به این سنت‌های دینی خاص باور نداشتند و یا حتی آن‌ها را انکار می‌کردند؛ که برای نمونه می‌توان از حنفاء نام برد که سنت‌هایی چون حج، رمی جمرات، احترام به کعبه، نفی بت‌ها، قداست مسجد الحرام و غیره به آنان نسبت داده شده که بقایای دین ابراهیم عليه السلام بوده است. (ابن هشام، ۱۳۷۵ق: ۲۲۲/۱-۲۲۸)
- گروهی نیز مرگ را پایان همه چیز می‌دانستند و اعتقادی به حساب و کتاب و حیات اخروی نداشتند. پرستش ستارگان، ارواح، اجرام سماوی، اجنه، درختان، و حیوانات نیز نمونه‌های دیگری از مظاهر ادیان جزیره العرب بوده است. (مسعودی، ۱۳۶۳: ۲/۱۰۳-۱۰۲؛ نیز ن.ک: الحوت، ۱۳۹۰ ش: ۱۵۸-۱۸۶؛ دغیم، ۱۹۹۵م:

انبیاء و نبوت در دوره جاهلی

از داده‌های موجود درباره وضعیت دینی عربستان پیش از اسلام چنین به نظر می‌رسد که مردمان آن زمان با مفهوم «نبی» و «نبوت» آشنا بوده‌اند. این امر با توجه به اینکه آنان بقایای فرزندان اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام بودند و از این رو بسیاری از عقاید و مناسک دین حنیف در میانشان باقی مانده بود، و نیز با توجه به تأثیر اهل کتاب بر آنان، کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد. در برخی اشعار جاهلی اسامی برخی از انبیاء نیز به چشم می‌خورد^۱ و تشکیک برخی از محققین در اصالت این اشعار با استناد به بت پرست بودن عرب جاهلی بی‌جاست. (حمونی، بی‌تا: ۵۷-۵۸) گزارش‌هایی نیز از وجود تصویر چهره برخی از انبیاء در کعبه تا زمان فتح مکه در سال ۸ هجری وجود دارد. (ابن هشام، ۱۳۶۳: ۴۱۳/۲؛ ازرقی، بی‌تا: ۱۶۵/۱؛ بخاری، ۱۴۲۲ق: ۷۵۵، ح ۴۲۸۸).

بزرگان دینی جاهلیت گرچه از اصطلاح «نبی» برای خود استفاده نمی‌کردند اما گاهی خود را لسان گویای خدایان بر روی زمین می‌دانستند. این افراد عمدتاً تنها مسئولیت برگزاری آیین‌های دینی و حفاظت از معابد و بت‌ها را به عهده داشته «سادن» خوانده می‌شدند که معادل کلمه «حاحب» است. (جوادعلی، ۱۴۲۷ق: ج ۶، ۱۶۷-۱۶۸) گشودن و بستن درب کعبه توسط سادن صورت می‌گرفت که پیش از اسلام در دست بنی عبدالدار بود و پس از فتح مکه نیز رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این امر را همچنان به ایشان واگذار نمود. (ابن هشام، ۱۳۷۵ق: ج ۲، ۴۱۲)

«ناسیء»ها زمان موسم حج را تعیین و احکام مناسک آن را بیان می‌نمودند و در یک مفهوم عام‌تر به آنان «أئمة العرب» گفته می‌شد که متولی امور موسم و قضاوت در عکاظ و افتاء دینی بودند. (بغدادی، ۱۳۶۱ق: ۱۵۶؛ جوادعلی، ۱۴۲۷ق: ج ۶، ۱۶۹-۱۷۰) گرچه گزارشی از تعلیم عقاید و احکام توسط آنان به مردم، و یا شرح متون دینی - آن گونه که در میان یهود و نصاری رایج بوده - وجود ندارد اما برخی آیات قرآن کریم (مانند انعام: ۱۳۶-۱۳۷) به روشنی بر وجود تشریحات دینی و تشریح‌کنندگانی در دوره جاهلیت دلالت دارد.

بزرگان دینی دوره جاهلی برخلاف بزرگان دینی مصر، آشور، بابل، یونان و روم و نیز برخلاف کنیسه‌های یهود، یک طبقه بزرگ و ویژه نبودند؛ علت این امر وجود نظام قبیله‌ای، و کوچکی

۱. مانند: أئمة عربياً خلقاً ثیابی فأفیت الأمانة لهم تخنها ... علی خوف تظن بی الطنون کذلک نوح لا یخون.

جوامع بشری در عربستان پیش از اسلام بوده‌است. (همو: ۱۷۳) این افراد معمولاً با سخنانی مسجع و پرتکرار (همو: ۳۶۰) به موعظه و دعوت مردم به اصول دینی و اخلاقی نیز می‌پرداختند؛ برای نمونه از وکیع بن سلمه بن زهیر (زهر) ایادی که بعد از جرهم عهده‌دار امور کعبه بوده، این سخنان گزارش شده است: «وصیت مرا بشنوید! این دو سخن شما را کفایت می‌کند و حجت تنها بعد از بیان تمام می‌شود؛ از آن کس که رشد (عقلی و معنوی) یافته اطاعت کنید و هر که را به گمراهی فروغلطیده رها نمایید و هر گوسفندی از پای خویش آویزان خواهد شد^۱». (بغدادی، ۱۳۶۱ ق: ۱۳۶)

گزارشی از ادعای نبوت توسط حنفاء نیز وجود ندارد ولی تأثیر زیاد اهل کتاب بر آنان شاهد خوبی بر اعتقاد ایشان به پدیده «نبوت» و به تبع آن «معجزات الهی» است. تأثیرات فکری اهل کتاب - به‌ویژه یهودیان - حتی بر مردم عادی عربستان آن زمان که اهل علم و کتاب نبودند نیز کاملاً قطعی است. (ابن خلون، ۱۴۰۸ ق: ج ۱، ۵۵۴)

در این میان تنها درباره امیه بن ابی‌الصلت ثقفی چنین گفته‌اند که به‌واسطه مطالعه کتب ادیبان آسمانی، می‌دانست که زمان ظهور پیامبر خاتم فرارسیده و منش حنیفان درپیش‌گرفته و عبادت بت‌ها و شرب خمر را ترک گفته و طمع در نبوت داشت. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۲۲ ق: ج ۴، ۱۲۹) راهبان برخی نشانه‌های نبوت را در او مشاهده می‌کردند ولی این نشانه‌ها کافی نبوده (همو: ۱۳۲-۱۳۰) و افسانه شکافتن سینه او توسط دو پرنده و نیافتن نبوت در قلب او (همو: ۱۳۴-۱۳۵) به این امر اشاره دارد؛ افسانه‌ای که بعدها دست‌مایه‌ای برای قصه‌گوهای صدر اسلام قرار گرفت تا داستان مشهور شق صدر حضرت محمد ﷺ توسط دو فرشته و شستشوی قلب آن حضرت و برداشتن لکه سیاهی که حظ شیطان از وجود مبارک او بود را به عنوان نشانه نبوت پیامبر اسلام بپردازند (برای نمونه رج سیوطی، ۱۴۲۹ ق: ج ۳۰، ۵۴۷، ذیل سوره شرح) سخن گفتن با حیوانات، تسخیر اجنه، پیش‌گویی وفات خویش و سایر قدرت‌های مافوق بشری که به امیه بن ابی‌الصلت نسبت داده شده، به قدریست که گفته‌اند اگر پیامبر اسلام ﷺ ظهور نمی‌کرد، ثقیفیان او را «نبی» می‌خواندند (ابن درید، ۱۴۱۱ ق: ۳۰۳؛ جوادعلی، ۱۴۲۷ ق: فصل ۵۷ حنفاء ص ۳۷۶)

بسیاری از نویسندگان اخبار جاهلیت در دوره اسلامی معتقدند که همواره انبیاء راستینی در میان عرب وجود داشته است که به سوی خلوند و دین او دعوت می‌کردند اما مواد تاریخی به‌جا

۱. کنایه از این که هر کسی مسئول اعمال خویش است، همانطور که قرآن کریم می‌فرماید: «ولا ترزوازره ووزر آخری». (انعام: ۱۶۴)

مانده از دوره جاهلی اشاره‌ای به این امر ندارد. ابوالعلاء معری نیز ادعای نبوت به معنای دریافت وحی الهی را در عصر جاهلی منتفی دانسته است. (همو: ۶۶ و ۷۹-۸۰) در این میان، اسامی پیامبران قوم عاد (هود عليه السلام) و قوم ثمود (صالح عليه السلام) در قرآن کریم نیز آمده است. (هود: ۵۳؛ شعراء: ۱۲۴؛ اعراف: ۷۷؛ و غیره) اسامی انبیاء دیگری چون خالد عبسی، حنظله بن صفوان، شعیب بن ذی مهلم نیز در گزارش‌های دوره اسلامی آمده است. البته گروهی از ساکنان شبه جزیره مانند صابئه، براهمه و بت پرستان، نبوت انسان را محال می‌دانستند و در صورت اعتقاد به ملائکه، انتظار داشتند همراه پیامبر ملکی نیز نازل شود؛ و در غیر این صورت، تنها بت‌ها را شفیع و وسیله‌ای میان خود و خدا می‌دانستند و منکر هر گونه امر و تشریحی از جانب خداوند بودند. (فیومی، ۱۴۱۵ ق: ۴۸۵) این گروه، مخاطبان قرآن کریم نیز بوده‌اند و خداوند در مقام پاسخ به شبهات آنان برآمده است. (انعام: ۸-۹؛ اسراء: ۹۴)

دارندگان قدرت‌های خارق‌العاده در دوره جاهلی

عرب دوره جاهلی همانند بسیاری امت‌های هم‌دوره آنان مانند مردم یونان قدرت تحلیل دقیق علل حوادث را نداشتند و ارتباط وثیقی میان اسباب و مسببات برقرار نمی‌کردند. برای مثال دارویی متداول را هنگام بیماری مصرف می‌کردند اما فهم عقلی دقیقی نداشتند و صرفاً از سر عادت قبیله این کار صورت می‌پذیرفت. از این رو، عقل آنان مشکلی نمی‌دید در این‌که باور به شفابخشی خون رئیس قبیله در برابر بیماری‌های داشته باشد یا علت بیماری‌ها را روح شریری که در بیمار حلول کرده بداند و یا برای مداوای مجنون او را به نجاسات و استخوان مردگان آلوده کند! این ضعف در تعلیل عاملی است که می‌تواند خرافات و اساطیری که کتب ادب عرب را پر کرده تشریح نماید. (امین، ۲۰۰۴: ۴۸-۴۹)

گزارش‌های فراوانی از رخداد‌های گوناگونی که برخلاف روال عادی قوانین طبیعتند در منابع تاریخ دوره جاهلیت وجود دارد. از دیدگاه عرب دوره جاهلی، اشیاء و اشخاص خاصی از این قدرت‌های فوق‌العاده برخوردار بوده‌اند در میان این اشیاء می‌توان به سنگ‌ها، درختان، چاه‌ها و غارها اشاره کرد که مردم به زیارتشان می‌رفتند و با تضرع، توسل، خواندن ادعیه و تقدیم قربانی سعی می‌کردند از قدرت خارق‌العاده آنان بهره‌مند شوند. (جوادعلی، ۱۴۲۷ ق: ج ۶، ۵۵۳) اما مهم‌ترین اشخاصی که ادعا می‌شد از قدرت‌های فوق‌العاده‌ای برخوردارند عبارتند از:

- بزرگان دینی معابد

خدمت به بت‌ها و اجرای مراسمات دینی در معابد دوره جاهلی، به عهده افراد خاصی بود که «بزرگان دینی» خوانده می‌شوند. یکی از وظایف بزرگان دینی، میانجی‌گری و طلب حوائج مردم از بت‌ها بوده است. این امر معمولاً برای برطرف کردن سختی‌ها و مشکلات، حفظ کاروان‌های مسافرتی و بارش باران (استسقاء) بوده که به صورت‌های مختلفی انجام می‌شده است. اعتقاد رایج این بوده که بزرگان دینی خودشان نیز از قدرت‌های تبرک و شفا بخشی برخوردارند. آنان با قراردادن دست خود بر سر مریضان و مسح پیشانی آنان، برکت شفا به بیماران داده و یا موجبات تقرب فرد به آلهه را فراهم می‌ساختند. گذاشتن آب دهان در دهان کودکان برای تبرک، شفا، عافیت و یا انتقال علم نیز از کارهای رایج بزرگان دین بوده است. حتی گاهی تبرک جستن به بزرگان دین آن قدر شدت داشته که افراد برای به دست آوردن قطعه‌ای از لباس آنان بر یکدیگر پیشی می‌گرفتند (یعقوبی، ۱۴۱۳ق: ۳۱۱/۱؛ جوادعلی، ۱۴۲۷ق: ج ۶، ۱۷۴)

معابد تنها محل عبادت و تقرب به بت‌ها نبوده بلکه مردم برای باخبر شدن از امور غیبی مانند راه حل مشکلات، اطلاع از آینده، عاقبت کارها و یافتن اشیاء مسروقه به این مکان‌ها مراجعه می‌کردند؛ در منابع تاریخی از معابدی مختص بت‌های رثام، منطبق و جلسد یاد شده است که این امور در آن انجام می‌شده (کلبی، ۲۰۰۰م: ۱۱-۱۲ و ۱۸؛ حموی، ۱۹۹۵م: ج ۲، ۱۵۱) که البته متأسفانه امروزه اثری از آن‌ها به دست نیامده است. جاحظ اصوات و همه‌هایی که در این مکان‌ها شنیده می‌شد را ساخته ترفندها و شعبده‌بازی‌های بزرگان دینی آن معابد (سادن‌ها) دانسته است. (جاحظ، ۱۴۲۴ق: ج ۶، ۴۲۰)

- کاهنان

«کهانت» در اصل واژه‌ای عبری است که نخستین بار، هارون برادر حضرت موسی علیه السلام بدان ملقب گردیده است. مقام کهانت همواره در میان فرزندان هارون به ارث می‌رسید تا اینکه پس از دوران سلیمان نبی علیه السلام پادشاهان عهده‌دار تعیین کاهنان شدند (هاکس، ۱۳۷۷ ش: ۷۱۲) کاهنان یهودی مسئول تقدیم قربانی و اجرای مراسمات مذهبی بوده‌اند (همو: ۷۱۳). با بازتعریفی که پولس در دین مسیحیت ایجاد نمود، کاهن جای خود را به کشیش داد. (صدر، ۱۳۸۰: ج ۱۴، ۲۷۸) بنابراین کاهن در واقع متولی مکان عبادی‌ای بود که حضرت موسی (ع) تاسیس کرد و خود اولین کاهن بود و پس از او به هارون و فرزندان او سپرده شد. به نظر می‌رسد همانند

بسیاری از امور دینی دیگر، کهانت رفته‌رفته از مفهوم و کارکرد اصلی خویش خارج شده و کاهنان ادعای ارتباط با فرشتگان و اجنه را مطرح کردند و در میان عرب پیش از اسلام جز این معنا از کهانت تبادر نداشته است. (صدر، ۱۴۳۰ق: ۸۳/۳) از این رو ابن‌خلون نیز کهانت را استعدادی در نفس انسان می‌داند که او را از انسانیت به روحانیت بالا می‌برد و ذره‌ای از حالت پیامبران را احساس می‌کند و در این حالت اموری را درک می‌کند که با حواس ساده انسانی قابل درک نیست. البته برخی بدون بالارفتن در درجات روحانیت با بهره‌گیری از اشیاء مادی مانند استخوان حیوانات، کلام سجع‌دار و غیره تلاش می‌کنند نقص فطرت خود را جبران کنند و آن اشیاء را آینه‌ای برای انعکاس برخی امور جزئی قرار می‌دهند که در خواب یا بیداری حاصل شود. این ادراکات در واقع القائنات شیطانی است و کاهن قدرتی بر آن ندارد و در نتیجه به صدق و کذب آن اعتماد می‌کند. گاهی نیز کاهن حدسیات خود را چاشنی آن ادراکات می‌کند. بنابراین کاهنانی که با تصفیه نفس به درجات روحانی دست یافته باشند نیازی به این اشیاء برای رفع حجاب‌ها ندارند (ابن‌خلون، ۱۴۲۷ق: ۱۰۰-۱۰۳)

کهانت در فرهنگ‌های بسیاری وجود داشته است که برای نمونه می‌توان به کهانت سامی، آشوری-بابلی، آرامی، کنعانی، فارسی، هندی، ترکی، یونانی، رومی و غیره یاد کرد. (فهد، ۲۰۰۷م: ۵۲-۴۱) کاهنان که دستمزد نیز دریافت می‌نمودند، کار خود را به صورت‌های زیر انجام می‌دادند: **فراست:** شامل علم شامات و خیالان، خواندن کف دست، نگاه به استخوان کتف حیوانات، علم عیافه (نظر به ردّ پا)، علم قیافه (تأمل در شکل و هیأت انسان) و ...

سحر و جادو: شامل سحر ابیض، علم خواص (شناخت خواص اسماء الهی، ادعیه، اعداد و غیره)، علم رقی و تعویذات، عزائم شیطانی، احضار ارواح انسانی، احضار ارواح ستارگان و ...

ستاره‌بینی: شامل علم شناخت ساعات نحس و مبارک، رمل، فال‌گیری، قرعه و طیره (فال نیکو یا بد زدن). (فهد، ۲۰۰۷م: ۵۳-۳۴۳؛ جوادعلی، ۱۴۲۷ق: ج ۶، ۵۹۳-۵۹۶)

در ادامه به بررسی بیشتر دو شیوه پرکاربردتر یعنی سخن گفتن با بت‌ها و ارتباط با اجنه می‌پردازیم.

۱- سخن گفتن با بت‌ها

یک از شیوه‌های متداول کاهنان جزیره‌العرب، سخن گفتن با بت‌ها بوده است. آنان در مقابل نور و هدایای دریافتی از مردم، اصوات و همهمه‌هایی که از بت‌ها به گوش می‌رسید را به

تناسب حال سؤال‌کنندگان تفسیر می‌کردند. این گونه اخبار از غیب در میان مردم یونان، روم، بابل، آشوری‌ها و عبرانیان نیز رایج بوده و جزء مهمی از ارکان ادیان قدیم به‌شمار می‌رفته است. (Hoyland, 2001: 153) در عربستان جنوبی، پاسخ بت -علاوه بر صوت- می‌توانست به‌صورت ارائه تصویر یا رؤیا به کاهن باشد. (Ibid: 153-154) اما گویا این کار در مکه رواج نداشته، و استخاره و مشورت با بت‌ها -به‌ویژه در مسائل مربوط به جنگ- تنها از طریق قرعه انداختن با تیرهای خاصی که از لام نامیده می‌شد در کنار هبل، ذوالخلصه و غیره صورت می‌گرفته است. (ازرقی، بی‌تا: ۱۱۷-۱۱۸؛ جوادعلی، ۱۴۲۷ ق: ج ۶، ۳۲۰-۳۲۲) جالب است که اگر پاسخ بت‌ها مطابق میل فرد نبود حتی ممکن بود به آن بت اهانت هم بکنند! (کلبی، ۲۰۰۰م: ۳۵ و ۴۷)

۲- ارتباط با جنیان

عالم ارواح به معنای عام آن که شامل هر قدرت نامرئیست، جزء لاینفک زندگی و عقاید عرب جاهلی و بلکه همه امت‌های پیشین است. در ادیان مختلف به وسیله نمازها، مناسک و ادعیه مکتوب و غیرمکتوب برای ورود به این عالم و کسب خیرات (از ناحیه ملائکه و برخی اجنه) و دفع شرور (از ناحیه شیاطین و برخی اجنه) تلاش می‌شود. (دغیم، ۱۹۹۵ م: ۱۵۴-۱۵۵)

چنان که از آیات قرآن کریم نیز برمی‌آید مفهوم ملک و شیطان در میان عرب رایج بوده، اما گزارش تاریخی روشنی از ارتباط عرب با آنان وجود ندارد. در رابطه با اجنه ماجرا کاملاً به‌عکس است و برای آنان نقش بسیار زیادی در زندگی عرب تصور می‌شد؛ آنان گاهی سبب قتل و گم شدن انسان‌ها، باد و طوفان و بسیاری از امراض، صرع و جنون بودند. گاهی یک جن اخبار اماکن دور را در اختیار انسان قرار می‌داد، و گاهی با او ازدواج می‌کرد (ن.ک: جوادعلی، ۱۴۲۷ ق: ج ۶، ۵۵۷-۵۷۰)، و یا تنها رابطه جنسی برقرار می‌نمود. (Henninger, 2004: 18) اجنه‌ای که اخبار غیبی را در اختیار برخی انسان‌ها قرار می‌دادند و تنها صدایشان شنیده می‌شد «هاتف» نام داشت و اگر آن جن بر انسان ظاهر نیز می‌گردید «رئی» خوانده می‌شد. گفته می‌شود مسیلمه کذاب در ابتدای امر ادعای ارتباط با یک رئی را داشته است. (جاحظ، ۱۴۲۴ق: ج ۴، ۴۴۱) پرستش اجنه توسط برخی از قبائل عرب در قرآن کریم (سبأ (۳۴): ۴۱) و توسط مورخین (کلبی، ۲۰۰۰م: ۳۴) گزارش شده، که در واقع یک عمل دفاعی در مقابل آسیب‌های محتمل از سوی اجنه بوده است. (Henninger, 2004: 19-23)

در بخش‌های جنوبی و جنوب شرق جزیره‌العرب، باور به حضور اجنه در امکانه خاصی

چون قله کوه‌ها، صخره‌ها، دره‌ها، رودخانه‌ها، درختان، دریاچه‌ها، چاه‌ها، غارها و خرابه‌ها شیوع داشته است. اطلاعات کمتری از وجود چنین امری در بخش مرکزی جزیره العرب (الربع الخالی) وجود دارد. (Henninger, 2004: 17)

البته باید توجه داشت که جن موجودی خرافی نیست بلکه آیات و روایات فراوانی از وجود و ویژگی‌های آن‌ها خبر داده‌اند. توصیف قرآن کریم از اجنه عبارتست از (امیدسالار: ۱۳۸۳ ش: ۴۹۰):

۱- جن موجودی مادی و حقیقی است که از آتش سوزان زهرآگین (حجر: ۲۷) یا شعله‌های مختلف (رحمن: ۱۵) آفریده شده است و خلقت آن‌ها بر روی زمین قبل از خلقت انسان بوده است.
۲- مانند انسان مکلف هستند (ذاریات: ۵۶) و حشرونشر و معاد دارند. (جن: ۱۵)

۳- قدرت نفوذ به آسمان‌ها و خبرگیری داشته‌اند ولی بعد بعثت پیامبر ممنوع شدند (جن: ۹)
۴- انسان‌ها را می‌بینند ولی انسان‌ها [معمولاً] آن‌ها را رؤیت نمی‌کنند. (اعراف: ۲۷)

۵- از علم غیب بی‌بهره‌اند. (سبأ: ۱۴)
۶- در میان سپاه سلیمان نبی علیه السلام حضور داشته و کارهای فوق‌العاده‌ای کرده‌اند. (سبأ: ۱۲-۱۳)
باور به جن در ادیان یهودیت و مسیحیت نیز وجود داشته است. (موسوی مقدم، ۱۳۹۲ ش: ۲۶-۳۲) انجیل بیان می‌کند که حضرت عیسی علیه السلام بر جنیان و شیاطین سلطه داشته و آن‌ها تحت فرمان او بوده‌اند. در انجیل لوقا آمده است که او جن را از بدن جن‌زدگان بیرون می‌کرد. (لوقا: ۴: ۳۳-۳۶) این قدرت برای حواریون نیز گفته شده است. (متی ۱۰: ۱-۹)

پندار مردم چنین بود که برخی از کاهنان، به سبب قدرت نفسانی فوق‌العاده خویش، حتی در خانه خود از قابلیت دسترسی به اخبار غیبی برخوردارند. (جوادعلی، ۱۴۲۷ ق: ج ۶، ۵۹۳) گویا این اخبار با استراق سمع از آسمان توسط شیطان یا جن به دست می‌آمده که پس از نزول قرآن کریم امکان آن منتفی شده است: «وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلْتَأَةً حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا، وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ

مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا» (جن: ۹)

- راهبان مسیحی

یهودیان تلاشی برای گسترش یهودیت در میان سایر اقوام نداشتند اما مسیحیان تبشیری به کمک قدرت شفابخشیشان و انتساب آن به معجزات و برکات الهی، صرف‌نظر از این‌که آن را چگونه به دست آورده بودند کمک شایانی به قبول دینشان توسط اعراب نمودند. مبشرین مسیحی با بهره‌مندی از دانش طب، منطق و نحوه تأثیر در نفوس توانستند برخی از بزرگان قبائل را به کیش خویش درآورند و یا حداقل از یاری آنان برخوردار شوند. قدرت‌های شفابخشی و استجاب دعاى آنان نوعی معجزه و کرامت الهی قلمداد می‌شد و در تواریخ کلیسایی مسیحیان به وفور گزارش شده است. (همو: ۴۲۹ و ۴۵۸-۴۵۹) اصلاً ورود دین مسیحیت به جزیره‌العرب را از طریق نجران و به واسطه زهد و کرامات راهبی مسیحی به نام فیمیون دانسته‌اند. (طبری، ۱۳۸۷ ق: ج ۲، ۱۱۹-۱۲۰) جروم^۱ (۳۴۷-۴۱۹ م) نیز در کتاب «زندگی هیلاریون مقدس»^۲ ماجراهای کرامات فراون هیلاریون در مناطق جنوبی عربستان و تأثیر آن بر مسیحی شدن اعراب را گزارش نموده است. خارج نمودن ارواح ناپاک از کالبد افراد و شفابخشی بیماران بیشترین موارد گزارش شده است، (Fisher, 2015: 287-289) که دقیقاً با معجزات گزارش شده از حضرت عیسی (ع) در اناجیل تطابق دارد (برای نمونه رج عهد جدید انجیل متی)

- ساحران

سحر در لغت به معانی گوناگونی چون خدعه، فریب، خروج از حداعتدال، پندارهای بی‌اساس و دروغین، یاری از شیطان و نزدیکی به آن و منصرف کردن چشم و قلب از واقعیت به‌کار رفته است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۳۵؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ج ۵، ۸۱) اما سحر در اصطلاح عبارتست از بستن، گره زدن، دعا و طلسم کردن. (طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ۳۲۷) شهید ثانی عنصر آسیب رساندن به دیگران را نیز در تعریف سحر دخیل دانسته است. (عاملی، ۱۴۱۰ق: ج ۳، ۲۱۴)

سحر از دیرباز جزئی از بسیاری از ادیان غیرالهی بوده و به بزرگان دینی این آیین‌ها

^۱. Jerome

^۲. Life of St Hilarion

اختصاص داشته و همانند شعائر دینیشان در معابد انجام می‌شده است. (Thompson, 1908: 1) هدف از سحر عمدتاً ایجاد حبّ و بغض در قلب افراد و خارج نمودن جن از کالبد جن‌زدگان بوده است و از آن جایی که در نظر مردمان قدیم، بیماری‌ها عمدتاً برخاسته از تأثیر ارواح شریر بر بدن انسان قلمداد می‌شد، ساحر می‌توانست همه بیماری‌ها را بهبود ببخشد (جوادعلی، ۱۴۲۷ ق: ج ۶، ۵۸۱-۵۸۲) فنون درمان‌گری در جوامع و فرهنگ‌های شفاهی از دین و جادو جنایی‌پذیر و متمایز نیست. بر زنان دانا و مردان درمان‌گر تنها به‌خاطر مهارتشان در شناخت داروها و یا حنافت در جراحی احترام و ارزش نمی‌گذاشتند بلکه به‌خاطر علم و دانش آن‌ها از علل لاهوتی و شیطانی بیماری‌ها و آیین‌های جادویی و دینی که به وسیله آن‌ها بر این بیماری‌ها می‌شد غلبه یافت و آن‌ها را درمان کرد، احترام و ارزش می‌نهادند. (لیندبرگ، ۱۳۷۷ش: ۱۴)

یهودیان یثرب آشنایی زیادی به سحر داشتند و مشرکان در مواقع نیاز به آنان مراجعه نموده و تعویذات و ادعیه دریافت می‌کردند. در موطأ مالک نیز چنین آمده است که عایشه برای درمان بیماری خود به یک یهودی مراجعه نمود و ابوبکر به آن یهودی توصیه کرد که رقیه‌ای (دعا) از کتاب خدا (تورات) برایش بنویسد. (مالک بن انس، ۱۴۲۵ ق: ج ۵، ۱۳۷۷، ح ۳۴۷۲) مفسرین اهل سنت بر این باورند که لبید بن اعصم از یهودیان بنی‌زریق رسول خدا ﷺ را سحر نمود و در نتیجه، آن حضرت دچار خیالات باطل شده بود. (طبری، ۱۴۲۰ ق: ج ۲، ص ۴۳۷) برخلاف برخی منابع زیدی (فرات کوفی، ۱۴۱۰ ق: ۶۱۷) تقریباً تمامی مفسران شیعه این گزارش را باطل دانسته‌اند. (عبدالله زاده، ۱۳۹۷ ش: ۱۰۶-۱۰۹) اما خود این روایات نشان‌گر فضای ذهنی مردمان دوره‌های نزدیک به عصر جاهلی است. به‌کار رفتن ۶۰ مرتبه واژه سحر و مشتقات آن در قرآن کریم به معنای جادو، جادوگر و جادو شده (همو: ۱۰۰) نیز بر رسوخ این باور در مردم آن زمان و تأیید آن توسط قرآن کریم دلالت دارد.

نقش بافتار تاریخی معجزه پیامبر (ص)

از آن‌چه تاکنون بیان شده روشن می‌گردد که از یک سو در بافتار فکری عرب دوره جاهلی اثبات ادعای نبوت و داشتن رابطه خاص با خداوند (یا خدایان) عمدتاً از طریق انجام امور خارق‌العاده و بروز کرامات قابل انجام بوده است. درخواست یهود از پیامبر ﷺ برای ارائه معجزه و این ادعا که «إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ اِلَيْنَا اَلَّا نُوْمِنَ لِرَسُوْلٍ حَتّٰى يٰتِيَنَا بِقُرْبَانَ تَاْكُلُهُ النَّارُ» (آل عمران: ۱۸۳) گواه روشنی بر کارکرد معرفتی معجزه در سنت فکری آنان است. درخواست‌های مشابهی از سوی

کفار نیز می‌تواند تحت تأثیرات فکری اهل کتاب بر سایر اقوام جزیره‌العرب^۱ و یا از بقایای دین حنیف اسماعیل علیه السلام در جزیره‌العرب باشد که گزارشات تاریخی و تفاسیر آیات معجزات اقتراحی نیز این امر را تأیید می‌کند.

بقایای چنین بافتار فکری را در نوشته‌های قرون بعدی اسلامی که به گزارش حجم انبوهی از کرامات و امور خارق العاده منتسب به رسول گرامی اسلام (ص) برای اثبات نبوت ایشان پرداخته‌اند نیز می‌توان مشاهده نمود. (برای نمونه ن.ک: بیهقی، ۱۴۰۵ ق) ولی از سوی دیگر، در این میان تنها راهبان مسیحی را می‌توان به عنوان کسانی برشمرد که شاید در مواردی از قدرت الهی برای انجام امور خارق العاده‌ای چون شفابخشی و استجاب دعا بهره‌مند بوده‌اند اما علیرغم نفوذ ریشه‌دار مسیحیت در جنوب عربستان و منطقه شامات، مسیحیت هرگز در منطقه حجاز نفوذی گسترده پیدا نکرد. منابع تاریخی از وجود دیر یا رهبانان مسیحی در حجاز سخن نگفته‌اند و محققانی چون ریچارد بل، اف.ای. پیترز و جرالدهاوتینگ تأکید دارند که برخلاف غزه و یمن، شواهدی از وجود جمعیتی مسیحی در مکه یا مدینه در دست نیست. (Bell, 1926: pp. 42-3; Peters, 1994: p. 1; Hawting, 1999: p. 14-16). از این رو، فردی که به انجام امور خارق العاده می‌پرداخته، در دستگاه معرفتی عرب حجازی و بلکه سایر نقاط جزیره‌العرب به طور غالب ساحر و یا کاهن به‌شمار می‌آمده است.

بنابراین مردمانی با چنین بافتار فکری متناقض‌نمایی از یک سو از او تقاضای معجزات فراوان دارند و از سوی دیگر در صورت بروز این معجزات، او را متهم به سحر و کهنانت خواهند کرد و در ردیف ساحران و کاهنان خواهند دانست. (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۸۴).

به نظر می‌رسد این شگفت‌ترین راهکار برای برون‌رفت از این چالش بود که معجزه اصلی و بزرگ پیامبر اسلام (ص) یعنی قرآن کریم از سنخ معجزات عقلی و نه حسی، و به گونه‌ای منحصر به فرد به صورت یک کتاب بروز نماید تا هم مطابق اقتضای بافتار فکری آن زمان دلیلی خارق عادت برای اثبات ارتباط نبی با خلوند ارائه شده باشد و هم دستاویزی برای اتهام سحر و کهنانت وجود نداشته باشد.

^۱ . پیش‌تر درباره تأثیر فکری اهل کتاب بر جزیره‌العرب مطالبی بیان شد.

نتیجه‌گیری

عرب جاهلی مانند سایر مردمان، امور خارق‌العاده را ناشی از عوامل ماورای طبیعت می‌دانستند و تلاشی در جهت تفسیر مادی و طبیعی از آن‌ها نداشتند. مهم‌ترین این عوامل ماروائی از دیدگاه آنان عبارت بودند از:

- خلاوند متعال (الله).
- سایر خدایان و بت‌ها.
- قدرت‌های روحی اشخاص خاص مانند بزرگان دینی.
- موجودات عالم ارواح، شامل فرشتگان، ارواح و اجنه.
- سحر.
- قدرت‌های اشیاء خاصی مانند برخی درختان، سنگ‌ها و غیره.

قدرت بر سحر (و دفع آن) و نیز کهانت (غیب‌گویی به کمک اجنه یا غیره)، به معنای نبوت و ارتباط خاصی میان شخص انجام‌دهنده آن با خلاوند یا خدایان نبوده است، و نسبت دادن سحر و کهانت به پیامبر ﷺ توسط کفار (طور: ۲۹؛ حاقه: ۴۲) نیز نشان از عدم کارکرد معرفتی مثبت این دو دارد. اما از سوی دیگر، بزرگان دینی معابد با ایجاد اصوات و همهمه در بت‌ها و معابد و تفسیر آنان، جایگاه دینی خود را تثبیت می‌نمودند. مسیلمه کتاب نیز به کمک ترفندها و شعبه‌بازی توانسته بود شمار زیادی را نسبت به رسالت خویش از سوی «رحمان» قانع نماید (جاحظ، ۴۲۴؛ ج: ۴، ۴۴۱)

در چنین فضایی از یک سو نیاز به ارائه امری غیرطبیعی برای اثبات نبوت پیامبر اسلام (ص) بوده است و از سوی دیگر نباید این امر به صورتی مشابه سحر و کهانت بروز نماید. بنابراین به نظر می‌رسد یکی از علل انتخاب قرآن کریم به عنوان معجزه رسول خدا (ص) اقتضات پیچیده این بافتار فکری بوده است. اعجاز قرآن که از سنخ امور عقلی و نه حسی است در عین اثبات ارتباط غیبی رسول و خلاوند به روشنی خود را از ساحت سحر و کهانت ممتاز نموده است.

منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۷۳ش، ج ۲. کتاب مقدس، ترجمه معاصر، انتشارات بیلیکا، ۱۹۹۵م.
- حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر (م ۷۲۶ ق)، **کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد**، تصحیح و مقدمه و تحقیق و تعلیق: آیت الله حسن زاده آملی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ ق.
- فهد توفیق، **الکهنه العربیه قبل الإسلام**، ترجمه: حسن عوده؛ رنده بعث، بیروت: قدس، ۲۰۰۷م.
- دغیم، د. سمیح، **ادیان و معتقدات العرب قبل الإسلام**، بیروت: دارالفکر اللبنانی، ۱۹۹۵م.
- ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد بن محمد **دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر ومن عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر (تاریخ ابن خلدون)**، تحقیق: خلیل شحاده، دار الفکر، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۴۰۸ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد **مقدمه ابن خلدون**، تحقیق محمد اسکندرانی، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۷ ق.
- ابن دریده أبو بکر محمد بن الحسن الأزدی، **الإستغاثی**، تحقیق وشرح: عبد السلام محمد هارون، دار الجیل، بیروت، الطبعة الأولى، ۱۴۱۱ ق.
- ابن فارس، احمد **معجم مقاییس اللغة**، مکتب الإعلام الإسلامی، قم، ۱۳۶۷ ش.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
- ابن هشام، عبد الملك بن هشام بن آیوب الحمیری المعافری (م ۲۱۳ ق)، **السیرة النبویه**، تحقیق: مصطفی السقا، إبراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ الشلبی، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده، مصر، الطبعة الثانية، ۱۳۷۵ ق.
- ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ ق)، **الأغانی**، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
- احمد العلی، صالح، **عرب کهن در آستانه بعثت**، ترجمه هادی انصاری، چاپ و نشر بین

۱۳۰ سخن تاریخ / سال پانزدهم، شماره ۳۳، بهار ۱۴۰۰

الملل، ۱۳۸۴ ش.

ازرقی، ابوالولید محمد بن عبدالله، *أخبار مكة وما جاء فيها من الآثار*، دارالندلس، بیروت، بی تا.

امیدسالار، محمود، *دانشنامه جهان اسلام*، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۸۳ ش.

امین، احمد *فجر الإسلام*، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۲۰۰۴ م.

بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ ق.

بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، دار ابن کثیر الیمامه، بیروت، ۱۴۰۷ ق.

بغدادی، محمد بن حبیب (م ۲۴۵ ق)، *المحبر*، مطبعة الدائرة، ۱۳۶۱ ق.

بیهقی، أبو بکر أحمد بن الحسین بن علی بن موسی الخُسْرُو جردی الخراسانی (م ۴۵۸ ق)،

دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۵ ق.

جاحظ، أبو عثمان عمرو بن بحر بن محبوب الكنانی، *الحيوان*، دارالکتب العلمیة، بیروت،

الطبعة الثانية، ۱۴۲۴ ق.

جعفرزاده کوچکی، علیرضا؛ شهریاری نسب، سروش؛ دهقانی، فرزاد؛ *بازاندیشی در*

حقیقت اعجاز، پژوهش های فلسفی-کلامی، بهار ۱۳۹۵ - شماره ۶۷ (۲۲ صفحه - از ۴۹ تا

۷۰).

جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، آوند دانش، الطبعة الأولى، ۱۴۲۷

ق.

الحمادونی، منصور بن سلیمان، *كشف اللثام عن دين العرب قبل الإسلام*، بی جا، بی تا.

حموی، شهاب الدین أبو عبد الله یاقوت بن عبد الله رومی، *معجم البلدان*، دار صادر،

بیروت، الطبعة الثانية، ۱۹۹۵ م.

الحتوت، محمود سلیم، *باورها و اسطوره های عرب پیش از اسلام*، ترجمه منیژه

عبداللهی، نشر علم، تهران، ۱۳۹۰ ش.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد *المفردات فی غریب القرآن*، دارالکتب العلمیة،

بیروت، ۱۴۱۸ ق.

زرگری نژاد، *تاریخ صدر اسلام*، سمت، تهران، ۱۳۷۸.

زرنندی، میر محمدی، سید ابوالفضل، *بحوث فی تاریخ القرآن و علومه*، مؤسسه النشر

الإسلامی، قم، ۱۴۲۰ ق.

سیوطی، عبدالرحمن جلال‌الدین (م ۹۱۱ ق)، *الدر المنثور فی التفسیر المأثور*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۹ ق.

شریفی نسب، حامد؛ طیب حسینی، سید محمود؛ واکاوی مقصود مشرکان از ایراد اتهام کهانت به پیامبر کرم صلی الله علیه واله و سلم و تبیین پاسخ زیربنایی قرآن کریم به آن، مجله کلام اسلامی، تابستان ۱۳۹۵ - شماره ۹۸ (۲۴ صفحه - از ۶۹ تا ۹۲).
صدر حاج سید جوادی، احمد *دائرة المعارف تشیع*، نشر شهید سعید محبی، تهران، ۱۳۸۰ ش. و ۱۳۷۵ ش.

صدر، محمد ماوراء الفقه، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۳۰ ق.

صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.

طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی اهل اللجاج*، تحقیق: محمد باقر خراسان، نشر مرتضی، مشهد ۱۴۰۳ ق.

طبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی (م ۳۱۰ ق)، *تاریخ الطبری* (تاریخ الرسل والملوک، وصله تاریخ الطبری)، دار التراث، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۳۸۷ ق.
طبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی، *جامع البیان فی تأویل القرآن*، تحقیق: أحمد محمد شاکر، مؤسسه الرسالة، ۱۴۲۰ ق.

طوسی، محمد بن حسن، *الخلافة*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۷ ق.

عاملی، زین‌الدین (شهید ثانی)، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، داوری، قم، ۱۴۱۰ ق.

عبدالله زاده، سید حمزه؛ سید موسوی، سید حسین؛ *پرسی تاثیر سحر بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از دیدگاه مفسران فریقین*، نشریه مطالعات تفسیری، بهار ۱۳۹۷، شماره ۳۳ (۲۲ صفحه - از ۹۷ تا ۱۱۸).

فرات کوفی، ابوالقاسم، *تفسیر فرات الکوفی*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۰ ق.

فراهیدی، خلیل بن احمد *کتاب العین*، انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.

فیومی، محمد ابراهیم (م ۱۴۲۷ ق)، *تاریخ الفکر الدینی الجاهلی*، دار الفکر العربی،

الطبعة الرابعة ۱۴۱۵ ق.

قرشى بنايى، على اكبر، **قاموس قرآن**، دارالكتب الإسلامية، تهران، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ق.
قصى الحسين، د. **موسوعة الحضارة العربية فى العصر الجاهلى**، دار البحار، بيروت،
۲۰۰۴ م.

كلينى، محمد بن يعقوب، **اصول الكافى**، ترجمه سيد جواد مصطفوى، كتابفروشى علمى
اسلاميه، تهران، ۱۳۶۹ ش.

كلى، أبو المنذر هشام بن محمد أبى النضر ابن السائب ابن بشر (م ۲۰۴ ق)، **كتاب
الأصنام**، تحقيق: أحمد زكى باشا، دار الكتب المصرية، قاهره، الطبعة الرابعة، ۲۰۰۰ م.

لنكرانى، محمد فاضل، **مدخل التفسير**، مطبعة الحيدرى، تهران، ۱۳۹۶ ق.
ليندبرگ، ديويديسى، **سراغزهاى علم در غرب**، ترجمه فريدون بدرهائى، تهران:
انتشارات علمى و فرهنگى، ۱۳۷۷ ش.

مالك بن أنس بن مالك بن عامر الأصبهى المذنبى (م ۱۷۹ ق)، **الموطأ**، تحقيق: محمد
مصطفى الأعظمى، مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان للأعمال الخيرية والإنسانية، أبوظبي،
امارات، ۱۴۲۵ ق.

مجلسى، محمد باقر، **آسمان و جهان (ترجمه ج ۵۴ بحار الأنوار)**، ترجمه محمد باقر
كمرهائى، نشر اسلاميه، تهران، ۱۳۵۱ ش.

مسعودى، على بن حسين، **مروج الذهب و معادن الجواهر**، دارالهجره، قم، ۱۳۶۳.

مسلم بن حجاج، **صحيح مسلم**، دار احياء التراث العربى، بيروت، بى تا.

مصطفوى، حسن، **التحقيق فى كلمات القرآن الكريم**، دارالكتب العلمية، بيروت، ۱۴۳۰
ق.

معرفت، محمد هادى، **التمهيد فى علوم القرآن**، مؤسسه النشر الإسلامى، قم، ۱۴۲۵ ق.
موسوى مقدم، سيد غلام عباس؛ جعفرى هرندي، محمد؛ **جن از منظر اديان ابراهيمى**،
معرفت اديان، پاييز ۱۳۹۲ - شماره ۱۶ (۱۶ صفحه - از ۲۱ تا ۳۶).

نورالدين، عتر، **علوم قرآن الكريم**، الصباح، دمشق، چاپ ششم، ۱۴۱۶ ق.

هاكس، جيمز، **قاموس كتاب مقدس**، نشر اساطير، تهران، ۱۳۷۷ ش.

يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، **تاريخ يعقوبى**، تحقيق عبدالامير مهنا، مؤسسه الاعلمى،

بيروت، ۱۴۱۳ ق.

منابع لاتین

- Bell, R., *The Origin of Islam in its Christian Environment*, London, 1926.
- Fisher, Greg, *Arabs and Empires before Islam*, Oxford, 2015.
- Hawting, G.R., *The Idea of Idolatry and the Emergence of Islam: From Polemic to History*, Cambridge, 1999.
- Henninger, Joseph, *Beliefs in Spirits Among the Pre-Islamic Arabs*, in: *Magic and Divination in Early Islam*, Edited by: Emilie Savage-Smith, pp. 1-54, Ashgate Publishing Limited, Great Britain, 2004.
- Hoyland, Robert G., *Arabia and the Arabs; From the Bronze Age to the Coming of Islam*, Routledge, 2001.
- Peters, F.E., *Muhammad and the Origins of Islam*, Albany, 1994.
- Thompson, R.C., *Semitic Magic: Its Origins and Development*, Luzac, London, 1908.
- Twelftree, Graham H., *The Cambridge Companion to Miracles*, Cambridge University Press, 2011.